

الیکارشی

یا

خاندانهای حکومتگرایان

- ۴ -

خاندان فیروز

- ۸ -

عبدالحسین میرزا فرما فرما

آنروزها بازداشت اعیان و رجال خوشگذران و الیکارشی ایران مورد مسرت و خوش بینی عموم بود نویسنده گان و شاعران جوان و ملی در این مورد ابراز شادمانی و امیدواری میکردند این دو سطر ترجمان احساسات یکی از جوانان آنروز بود :

این وجوش و سبمی را که بحبس افکنندی

ظلم آنها نرود خلق جهان را از یاد

آب و خاک از کف بیچاره رعیت بردند

همه دارای بلوکند و دهات از بیداد

و اما استاد فرانسوی بعد از پراکنده شدن خیر محاکمه فرمانفرما و فعالیت کسان او جهت رهائش چنین مینویسد: « زن فرمانفرما پس از آگاهی از این شایعات درصدد جلب حمایت بریتانیا از شوهرش درآمد. زن مسن او دختر مظفرالدین شاه کمتر از اندرون کاخ بیرون می آمد با اینکه کالسکه او را توقیف کرده بودند در درشکه کرایه ای به همراه خدمتکار خود نشست بسفارت انگلیس رفت و قصد داشت با افتادن پپای سفیر از او یاری طلبد ولی او را به سفارت راه ندادند، مؤدبانه عذرش را خواستند (۱)

گفته می‌شود برانهمائی فرمانفرما، زنش اسناد تابعیت فرمانفرما را برداشته بود تا به سفیر نشان دهد و از او بخواهد از تبعه دولت انگلیس در زندان بیگانه حمایت کند .

گروهی سقوط رژیم مستعجل سیدضیاء را ناشی از این انقلاب سیاسی او میدانند که بی‌پروا و شجاعانه به جنگ (الیگارشی) ایران رفت و گویادر نظر داشت در يك شب همه (الیگارکها) را بر چوبه دارها درباغ شاه برقص در آورد .

وضع ویژه‌ای پیش آمده بود رضا خان از قشرعادی مردم ، دور از طبقه ممتاز و اشراف و(الیگارک) نیرومندترین مرد ایران شده بود نصایح سیمرغ در کوه قاف بریتانیا به دارنده ستاره هند ، قدرت ایران را نشان داد ولی یافتن راه تفاهم و همکاری با سردار سپه چندان کارآسانی بنظر نمی‌رسید . لیکن برای مرید پروپا قرص ماکیاویلیسم ماکه برای رسیدن بقدرت هیچ وسیله ناپسند نبود و دیدیم چگونه از راه آب پـسـارک امین الدوله باسرو لباس گلین خودرا به ضیافت سیاسی رسانید . اینبار نیز خودرا بسیار کوچک کرد (روزهایی که وزیر جنگ در خانه خود بنایی داشت شاهزاده پیر کار- های بسیار خودش را گذاشته مانند یک میعمار دلسوز و خیر خواه ساعت‌های دراز بر سر بنایی حضور یافته غالباً روی پاره سنگ یا آجر می نشست بکارگران تعلیمات میداد، استاد بنا راهدایت کرده به سستی و کاهلی آنها اعتراض نموده منتهای دقت را مینمود ... (۱)

فرمانفرما با تاکتیک خاص خود و بالاخره خانواده فیروز را بدستگاه قدرت نزدیک میکند .

از ارکان سلطنت

فرمانفرما در تروز ایمنبری وزیر مختار آمریکا شرکت جست . به سال ۱۳۰۳ وقتی بازی جمهوری آغاز شد مرتجع پیر واریستوکرات نامور ما رویری مدرس وکیل مدافع پسرش نصرت الدوله در مجلس، ایستاد، در زیر علم وکیل جمهوری بتظاهر پرداخت، مخبر السلطنه در یادداشتهای خود از شرکت قمالانه فرمانفرما در بازی جمهوری یاد می‌کند (۲)

او که میدید آفتاب قدرت خاندان سرعت بیاخر می‌رود نه تنها دست از ادامه سلطنت قاجار و حمایت از احمدشاه (برادرزاده خانم) خود بر میدارد بلکه شدت تلاش میکند که زودتر تخت فرمانروایی واژگون گردد.

روزی صد دروغ

محققان و مورخان ایران تقریباً با اتفاق آراء از فرمانفرما بیدی یاد کرده‌اند پیروی شدید او از ماکیاولیسم تأثیر زیادی در اخلاق نسل جوان ما داشته است فی‌المثل بهنگام نخست‌وزیری وقتی امیراعظم بر اثر تظاهرات سربازان نزد فرمانفرما می‌آید درخواست حقه آن‌ها را طرح می‌کند، فرمانفرما باین افسر جوان می‌گوید: (بیجان عمو و اعلیٰ منکره رئیس الوزرای اعلیحضرت همایونی هستم روزانه اقل صد دفعه دروغ می‌گویم شما که یک صاحب منصب ارشد هستید اجازه میدهم روزانه ده دفعه دروغ بگوئید ... (۱) منظورش این بود که با وعده و وعید و دروغ سربازان را بفریبد و ساکت کند. باستانی پاریزی فرمانفرما را (آپاردی و پاچه و رسالیده) خوانده می‌افزاید: فرمانفرما اگر برای خواندن فاتحه‌ای سرگور پدرش میرفت تا چندتا سقط پاره به جیب نمی‌زد بر نمی‌گشت ۲.

هر دو سه ماه یک دختر !!

با تقریبی کیه فرمانفرما نزد رضاشاه یافت، توانست پسران خود نصرت‌الدوله، سالار لشکر، محمدولی میرزا سرلشکر فیروز را به وزارت و وکالت برساند و بطوریکه خواهیم دید بقول (موریس برنو) نصرت‌الدوله دست راست بنیادگذار سلسله پهلوی شد.

ولی نصرت‌الدوله سیاستمداری سخت جاه طلب بود، می‌خواست باز هم بالاتر رود و در نتیجه رضاشاه ناگزیر شد او را کنارگذارد. مرگ نصرت‌الدوله تأثیر زیاد در فرمانفرما گذاشت بقولی مرگ او را تسریع کرد.

عبدالاحسین میرزا فرمانفرما پس از شصت و اند سال حکومت در ۸۲ سالگی در آبان ۱۳۱۸ خ. درگذشت بوسیله محترم‌السلطنه (حسن اسفندیاری)

۳- یاداشتهای رحیم‌زاده صفوی (اطلاعات هفتگی شماره ۴۸۴-۲۶ آبان ۱۳۲۹)

۴- خاطرات و خطرات صفحه ۴۶۴

۵- تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران: بهرامی صفحه ۳۴۸

۶- مشیرالدوله ۷۰

پدر دامادش با مراسم خاصی جنازه او را در شاه عبدالعظیم در باغ طوطی به خاک سپردند .

فرمانفرما به زن علاقه زیاد داشت و از اینرو فرزندان متعدد یافت بهتراست نحوه زن گرفتن و احترام به شخصیت زن او را از زبان دخترش گوش کنیم :

مریم فیروز در روز نامه فم فرانسر (Famme Francaise) پاریس در این باره می نویسد:

(پدرم در ۷۵ سالگی هر چند يك دختر و گاهی دو دختر را بسزنی می گرفت .

بعد آنها را رها می کرد بدون آنکه بدانند چه بر سرشان می آید . بطور متوسط هر دوسه ماه یکمرتبه يك دختر جوان که زن جدید پدرم بود وارد اندرون می شد ، دخترها معمولاً بیش از ۱۴ و ۱۵ سال بیش نداشتند . (۱)
از فرمانفرما بیش از سی دختر و پسر باقی مانده است بطوری که خواهیم دید اغلب از شخصیت های برجسته بشمار میروند .

ثروت خاندان فیروز

بگفته ناصر دیوان ، فرمانفرما فقط برای پول فعالیت می کند ، هدفی جز جمع آوری ثروت و مکنک ندارد .

گریستنقر ساینکس ❁

پولساز ترین شخصیت خاندان فیروز عبدالحسین میرزا فرمانفرماست همین امروز باعتبار دارایی و ثروت گرد آورده اوست که باز این خاندان در ردیف ثروتمندترین شخصیت های کشور بشمار می آیند ؛ پاره بی ازشریان های اقتصادی جامعه را در دست دارند .

فرمانفرما این ثروت ها را از راه های گوناگون بدست آورده است :

۱- بهره برداری و استفاده از اعتبارات بودجه کشور یکی از راه های ثروت اندوزی فرمانفرما بوده است دیدیم که وی در سمت رئیس قراولخانه آذربایجان سالی دوازده هزار تومان در زمان ناصرالدین شاه می گرفت که بقول

۱- مجله خواندنیها شماره مسلسل ۶۴۶ سه شنبه ۱۹ دی ۱۳۲۵ .

❁ فعالیت های واسوس صفحه ۱۷۷

لردگرنز اغلب پاسگاهها بی‌سرباز بود و اما همین که نوبت شاهی به شوهر خواهر او مظفرالدین‌شاه رسید بقول امین‌الدوله (ترکان یغمايي) که در رأس آنان فرمانفرما قرار داشت بجان مردم و خزانه افتادند خود فرمانفرما به طوری که دیدیم از این راه سوءاستفاده‌های کلانی کرد.

وقتی هم بعنوان دور ساختن از مرکز اورا بوالی‌گری فارس میفرستند در مدت دو سال دیناری تاوان به مرکز پس نداد و بهنگام برکناری نیز هر چه در صندوق فارس بود برداشت به عراق رفت ، شاید تعدادی از املاک خریداری شده در این نقاط بر اثر این وجوه بوده است .

فرمانفرما این رویه را در همهجا، کرمان ، آذربایجان و کرمانشاه همواره دنبال کرده با حسابسازی اعتبار موجود را بالا کشیده است کما این که بهنگام استانداری فارس در جنگ بین الملل دوم مبالغ معتنابهی به اسم (این که روحانیون را راضی نگاهدارد و حقوق و مقرری برای سوار شخصی و غیره و تمام این وجوه را لیره هفده ریال خریدیده در بانکهای خارجی ذخیره نمود که بمیلیونها ریال بالغ می‌شود .. (۱)

مالک نیمی از تهران

۲- فرمانفرما عاشق املاک و روستاهای خوب و زرخیز بود بهر جا که میرفت و با هر حیل و نیرنگ می‌توانست برای خود املاک خوب دست و پا می‌کرد ، کمتر جایی را میتوان یافت که فرمانفرما در آنجا حکومت کرده باشد ولی آب و ملکی برای خاندان فیروز فراهم نکرده باشد .
قسمت مهم املاک وی در تهران بود که از طریق انتقال املاک خالصه صورت گرفته است .

امروز قسمت اعظم این زمین‌ها فروخته شده است و شاید نیمی از تهران امروز را تشکیل میدهد آغاز آن از خیابان شاهپور که هم اکنون (کوچه فرمانفرما) نشانه تملک این زمین‌ها بوده بطرف غرب و جنوب و شمال ایران کشانده میشود .

خانه‌های خیابانهای پهلوی کاخ و پشت باغشاه اراضی مرغوب جاده کرج از این زمین‌هاست دنباله آن تا مرز آورد و کاروانسرا سنگی نفت پارس خاندان فیروز میرسید که هم اکنون منتهی الیه این اراضی به مقرات سید

ریال از سوی این خاندان بفروش میرسد .

تمام این زمین‌ها با نفوذ سیاسی و سند سازی بدست آمده است .
فی‌المثل درباره تملك (یافت آباد) که در جنوب غربی تهران قرار
دارد مستوفی چنین می‌نویسد : (فرمانفرما یافت آباد را که هزار تومان و
هزار خروار جمع خالصگی داشت پشت دروازه تهران واقع است بده تومانی و
ده خروار جمع اربابی فرمان صادر کرد. (۱)

مالك دو کشور بلژیک در ایران

در سال ۱۳۰۹ و ۱۳۱۰ که ناصرالدین‌شاه بنای فروش یا واگذاری
خالصجات ایران را می‌گذارد فرمانفرما قسمت زیادی از این زمین‌ها را به
بهای ناچیزی تهیه می‌کند . خالصجات کرمان نیز در همین زمان‌ها بدست
فرمانفرما می‌افتد نهایت چون (خاندان ابراهیمی) کرمان در این منطقه نفوذ
زیادداشت بقول (حسن معاصر) : نیم‌عشری بعنوان حق‌السکوت باین خاندان
داده می‌شود .

فرمانفرما باین زیرکی و کاردانی در تهیه این املاک گاهی هم لازم‌میدید
غیرمستقیم عمل کند .

ابتدا یکی دو نفر از ملایان خودی و متنفذان راجلومی انداخت سپس
خود داور در میان مالکان می‌گردید حق را بطرف رابط خود میداد اندکی
بعد که این موضوع کهنه می‌شد املاک را بخود منتقل می‌ساخت .

واما هر گاه درجایی مجبور میگردد پولی پرداخت کند خرید آن مثل
خرید یافت آباد بود که دیدیم . صوراسرافیل در اینمورد می‌نویسد: (بوداق آباد
کرمان را که سیصد هزار تومان قیمت داشته است چهل و دو هزار تومان
می‌خرد (۲)

مهمترین املاک فرمانفرما در این ناحیه خالصه طارم منطقه وسیع بین
فارس و کرمان و بنادر جنوب است (که دارای یک رودخانه و پنجاه و شست
قنوات و چندین فرسخ اراضی و نخلستان و غیره دارد اهمیت آن از آنجسا
معلوم می‌شود که سیصد و شست آسیاب داشته که فقط یکی دایر است و بقیه متروک

۱- تاریخ اداری و اجتماعی قاجار جلد ۲ صفحه ۱۹ .

۲- روزنامه صوراسرافیل شماره ۶ - ۱۳۲۵ ق .

می‌باشد. جمعیت این ناحیه سابقاً یک میلیون بوده موقمی که این املاک را خریدند مسترو تلی یکی از ما موران برجسته پلیس جنوب و انگلستان شرکت داشته است.

این نویسنده در چند سطر بالاتر مساحت خالصجات کرمان فرمانفرما را بقدر مساحت کشور بلژیک می‌نویسد (۱)

اما همانند لوری که گفتیم او بهر جا که می‌رفت بظاهر بخدمت دردم اشتغال داشت ولی باطناً برای خود دست و پامی کرد. در این میان آذربایجان و کرمانشاهان و کردستان یکی از مناطقی بود که بیشتر جلب توجه فرمانفرما را کرده بود ...

مجله خواندنی ماهنگام معرفی زمین داران و فئودالهای بزرگ فرمانفرما را فقط در غرب ایران صاحب دو بیست و پنجاه روستا معرفی می‌کند روزنامه بابا شامل مساحت شهرستان میانه و حومه آنرا که متعلق بفرمانفرما است باندازه وسعت بلژیک (البته غیر از بلژیک جنوب) می‌نویسد.

بنابراین اگر حضرت والا روزی یک جوان ناسیونالیست و ضد بیگانگان را در فارس مورد تحکم قرار می‌دهد می‌گوید (آیا تو وطنپرست تر هستی یا من که نوبک و جب زمین در ایران نداری و من صاحب یک هشتم این کشور هستم). بظاهر راست می‌گوید!

حضرت والا حسابگر و حسابدان دقیقی بوده. حتماً این نظر او بر مبنای حساب، سند و مدرک بوده است.

ولی املاک او منحصر به کادر جغرافیایی ایران نبود او در کشورهای خارج و در عراق به خرید ملک می‌پرداخت و فعالیت اقتصادی وی تحت نظام فئودالیستی وی در عراق بحدی می‌رسد که هیأت حاکمه عراق فرمانفرما را جز فئودالهای بین‌النهرین بشمار می‌آورد.

اما قسمت مهم ثروت فرمانفرما از فعالیت‌های همه‌جانبه وی در مناطق حکمرانی بدست آمده است وی هر جا می‌رفت می‌کوشید از هر راه دیگر ثروت اندوزد.

پولستانی و اخاذی یکی از راههای این کار بود، بنا بنوشته شوستر مقداری از ثروت او در زمان وزارت جنگ و وی ابتدای پادشاهی مظفرالدینشاه

۱- مجله خواندنی‌ها شماره مسلسل ۵۷۵ ص ۱۲

۲- مجله خواندنیها

تهیه شده است.

اوبعد ازهر حادثه وقتی وارد منطقه‌یی می‌شد بساط پولستانی و اخاذی میگسترانید ، کما این که بعد از عصیان سالارالدوله و سرکوبی او ازطرف مشروطه طلبان و کشتن یار محمدخان گرد آزاده کرمانشاهی وی درمسند حکمرانی مطلق غرب افراد را مورد تهمت و تعقیب ، همراهی وهمکاری با شورشیان قرار می‌داد و بقول مجاهدالسلطان : (معلوم نمی‌شد این بینوایان شوربخت با پرداخت چه مبالغ هنگفتی از زندان فرمانفرما مستخلص می‌شدند!)

۵۹ درصد مال من

فرمانفرما در تجاوز به قانون و بیت‌المال ملت پای‌بند اخلاق نبود و حداقل مثل بعضی کسان که نیمی برای دولت و نیمی برای خود برمیداشتند و عمل نمی‌کرد .

یکی از رجال ارتش که در ناحیه غرب مدتی با فرمانفرما همکاری داشته است روزی با ده‌هزارو پانصد تومان در آمد وصولی ازعلیفچرازقوای همدان نزد حضرت والا می‌رود تا پول وصولی بحساب دولت گذاشته شود می‌نویسد (فرمانفرما خندید گفت خیلی ساده هستی دولت یعنی من و شما ، منتهی باهم فرق داریم منکه والی هستم بیشتر می‌برم تو که مأمور من هستی کمتر بپر ، پانصد تومان بمن داد و بقیه را خود برداشت .)
گروهی از خوش بختیان می‌اندیشند فرمانفرما با رعایت انصاف ثروت میان دوخت این شاهد زنده‌ای از بی انصافی او در غارت مردم و حیف و میل در آمد ملی است که نه تنها نود و پنج درصد عواید را خود بالا میکشد و پنج درصد را بدیگری می‌دهد بلکه از این راه نسل جوان و خدمتگزار را آلوده و بهمه چیز بدبین میکند .

وقتی در جنگ بین الملل مأمور فارس میگردد هنوز عرق راه او خشک نشده است قاصد نزد **صولت الدوله قشقائی** می‌فرستد از او مطالبه ده‌هزار لیره میکند (۲) و اما برای خود این مأموریت (ماهی سه‌هزار تومان انگلیسها

۱- تاریخ مشروطه ... ص ۱۱۹

۲- مجله خواندنیها شماره ۳۷ صفحه ۳۲ سال ۱۳۳۹

۳- تاریخ ایران سایکس : جلد ۲ صفحه ۷۱۵

به فرمانفرما پول دادند که جمعاً بابت این حساب دویست و چهل و سه هزار و چهل و هفت تومان و دو قران و دویست و پنجاه دینار دریافت داشته بود که معلوم نشد تماماً بمصرف سازمانهای دولتی فارس رسید یا آنکه شاهزاده چنانکه عادت داشت شخصاً از این مبلغ بهره‌مند شد. اسناد این فقره از پولها در بایگانی وزارت دارائی و وزارت خارجه موجود است (۱) یکی دیگر از راههای پول اندوختن فرمانفرما در این سالها استفاده از موقعیت خاص جنگ و بازرگانی بوده است بعزت جنگ در روسیه بازرگانی از طریق بندر عباس انجام می‌شد. حسن معاصر می‌نویسد: (دو هزار شتر در این راهها کار می‌کرد ساربانها حواله‌های ده هزار و بیست تومان از مسترو تلی کرایه حواله بانک می‌گرفتند روزهای یکشنبه بانک تعطیل بود شتر دار صدی پنج از مبلغ حواله کسر کرده نقداً وجه آنرا از کیخسر و نماینده فرمانفرما می‌گرفت ...). و دیگری باختیار گرفتن نان و معاش مردم بود، با ایجاد قحطی و گرانی محصولات روستاهای کرمان را به بهای گزاف بمردم می‌فروخت.

با توجه بتمام مجاری سوءاستفاده معلوم میشود حضرت‌والا چه ممر در آمدها جوشان داشته است و بایورش به ملت و دولت چگونه این ثروت عظیم خود را گرد آمده است.

اشکهای فرمانفرما از شوستر

شخصی که اینهمه ثروت داشته باشد لابد در پرداخت مالیات نیز وظیفه سنگین تری دارد و بیشتر به بودجه دولت کمک می‌کند.

ولی فرمانفرما این حرفها سرش نمیشد، او بیشتر این ثروتها را از موقعیت سیاسی خود گرد آورده است حال چگونه حاضر خواهد شد مالیات حقه آنها را بپردازد.

خواهیم دید که او محمد ولی میرزا فرمانفرمائیان زیر کترین فرزندانش را داخل اداره خزانه و دستگاه مالیات گیری کرد و چون این پسرش آدم بندو بستجی، اهل سازش و نرمش بود بقول مستوفی برای این او را وارد سازمان مالی کرد تا بدست او مالیات دولت را بالا بکشد والا محمد ولی میرزا و فرمانفرما احتیاج به حقوق ناچیز مالیه نداشتند (۳)

۱ - رهبران مشروطه صفحه ۴۰۴

۲ مجله خواندنیها شماره ۵۷۵ صفحه ۱۲

۳- تاریخ اداری و اجتماعی قاجار جلد ۲ صفحه ۴۲۲.

یکی از مراحل طبیعی سازمان مالیه ما دوران مستشاری و مدیریت شوستر در این بود که در این زمان پرده‌ها بالا می‌رود ، متجاوزان به بیت‌المال و سوء استفاده‌چی‌ها شناخته میشوند .

حقاً این مرد به سازمان مالی ما خدمت کرد زنجیر بردگی اقتصادی ما را شکست انکس خدمات صادقانه او بود که جوانان و نویسندگان آن روز از او به نیکی یاد می‌کنند . عارف شاعر پراحساس ملی در این باره می‌سراید:

گر رود شوستر از ایران رود ایران برباد ای جوانان نگذارید که شوستر برود
نگک آن خانه که هم‌مان ز سر خوان برود ای جوانان نگذارید که مهمان برود
زانکه از رفتن او غیرت و ایمان برود

خوبست برای شناخت او و یکی از توانگران بزرگ فرمانفرما به برخورد آن دو در این مورد از زمان خود شوستر توجه کنیم .

(شاهزاده فرمانفرما چون آخر کار دید در باره وصول مالیات املاکش مجدد مصر می‌باشم نزد هیأت وزیران رفته و خدمت دلیرانه ؛ خود را که هم از حیث جنرالی (سرداری قشون و هم از حیث وزارت جنگ نسبت به دولت مشروطه می‌دول داشته تذکار نمود و پس از اتمام اظهارات خود بگریستن شروع کرد . هیئت وزراء بطوری متألّم شدند که فوراً مراسله متواضعانه به من نوشته اشاره نمودند که شاهزاده فرمانفرما از تأدیه مالیات خود معذور خواهد بود تا از طرف هیئت وزراء تحقیق کاملی در این معامله بعمل آید خود فرمانفرما مراسله مزبور را آورد جواب گفتم یکی از دو شق را باید قبول کرد یا خدمات دلیرانه خودتان را بدولت مشروطه ثابت نمائید و یا بقایای مالیات خود را تأدیه کنید و با اینکه مرا به ضبط انبارهای غله خود مجبور نمود به هیئت وزراء جواب نوشتم که اگر التّمات فرموده شما توجه خودتان را به تصفیه و اصلاح امور سایر ادارات مصروف دارید من خود سعی در جمع‌آوری و وصول مالیات خواهم نمود .

ولی مستشار مبارز آمریکایی گوشش به این حرفها بدهکار نبود بویژه که قبل مادر باره ثبت خدمت فرمانفرما به مشروطه شك داشت بنابراین فرمانفرما را مانند علاءالدوله و شجاع‌السلطنه در فشار سخت می‌گذارد مالیات حقه دولت را وصول می‌کند .

شوستر به پول آن روز در باره ثروت فرمانفرما و طریق اندوختن آن می‌افزاید (مشارالیه از زمان حکومت و سرداری قشون و کابینه‌اش چندین میلیون دلار ذخیره و اندوخته نموده بود !)
حال اگر در اصلاحات ارضی و یا تعدیل ثروت فریاد آنان به عرش رسد این حقایق نشان می‌دهد آنان چقدر در تصاحب حقیقی این ثروت محق و شایسته هستند .

تاریخ اختناق ایران صفحه ۳۳۲ .

بقیه خاطرهای از مأموریت...

نه اینکه جلسه رسمی کنفرانس را بصورت باز پرسى و سؤال و جواب در آورید ! بعد از ترجمه بیانات رئیس ، آقای ماکدونالد اظهار نمود که :

د - شما میدانید این کنفرانس را دولت امریکا تشکیل داده و هزینه آن را پرداخت کرده است و برای تکمیل گزارشى که باید بدولت متبوع خود تسلیم کنم ناچار از طرح این سئوالات میباشم ... »

بمحض ادای این جمله قیافه رئیس بر - افر - روخته شد و صحبت نماینده امریکا را با ضربت متوالی چکش که بجای زنگ ریاست بکار می رفت . قطع نموده منتظر ترجمه آن شد ، رگهای گردن رئیس بطور محسوس برجسته و عصبانیت شدیدی بر او مستولی شده بود و کاملاً معلوم بود که اظهارات سفیر امریکا را قبل از ترجمه بخوبی درك کرده است .

با این حال نفس نفس زنان چشم بدهان مترجم دوخته بود ، هنگامی که مترجم گفته های سفیر را بترکی ترجمه کرد جناب رئیس مجدداً چکش را چندین بار بطور محکم بر تخته روی میز کوبیده بصورت پر خاش چنین گفت :

آقای نماینده دولت امریکا ! گفتار اهانت آمیز خودتان را فوراً پس بگیرید . این آقایان که در این جا حاضر دارند نمایندگان دولت های محترم و مستقل هستند و نیازی باعانه خارجی ندارند ! ما و دوستانمان آنقدرها درماننده و مسکین نیستیم که پول امریکا را برخ ما می کشید ! تکرار می کنم فوراً حرفی را که زدید پس

بگیرید ! ...

مترجم اظهارات رئیس را بانگلیسی ترجمه و بیان کرد . سفیر امریکا که به - آشفته و ناراحت بنظر میرسید بامشاوران خود آهسته بنجوى و گفتگو پرداخت و چیزی در جواب رئیس اظهار نکرد .

همه نمایندگان و حاضران در کنفرانس منتظر پاسخ نماینده امریکا و عکس العمل رئیس بودند و سکوت محض بر تالار جلسه سایه انداخته بود .

بعد از چند دقیقه که جوابی از طرف سفیر امریکا داده نشد رئیس مجدداً زنگ را بصداء در آورده بالحن قاطع و محکم چنین گفت :

- آقای نماینده دولت امریکا ! شما اخطار می کنم حرفی را که زدید فوراً پس بگیرید و گرنه ناگزیر خواهیم شد که شمارا از جلسه اخراج کنم !

بعد از ادای این بیانات و ترجمه شدن آن که مایه عجاب و تحسین نمایندگان شده بود سفیر امریکا بامشاوران و همراهان خود اشاره نموده متفقاً وبدون خدا حافظی جلسه را ترك کردند .

در این هنگام که کنفرانس در حال انتظار و سکوت مطلق فرو رفته بود رئیس چند دقیقه تأمل نمود تا از عصبانیت خارج شده بحال عادى درآمد سپس این طور اظهار داشت :

- من از آقایان نمایندگان محترم پوزش می طلبم که از حال طبیعى خارج شدم اما یقین دارم در رفتاری که پیش گرفتیم بن

حق خواهید داد که چاره دیگری نداشتیم، ما نمایندگان دولت های محترم و مستقل هستیم و هیچگاه حیثیت و شرافت ملی خودمان را بیپول دیگران نمی فروشیم و بدولت های دیگر هر قدر هم مقتدر و ثروتمند باشند اجازه نمی دهیم که بجزت نفس و غرور ملی ما توهین کنند! بنا بر این با اظهار تأسف از این پیشامد جلسه را برای امروز ختم می کنیم و در صورتی که ادامه کنفرانس امکان پذیر باشد با اطلاع آقایان نمایندگان خواهد رسید ...

فردا صبح طبق اطلاع تلفنی که داده شده بود جلسه کنفرانس مجدداً تشکیل یافت و آقای ماکدونالد رئیس نمایندگی آمریکا با توافق مشاوران خود در جلسه حاضر شدند.

بعد از اعلام رسمیت جلسه رئیس اظهار کرد که:

— آقای رئیس هیئت نمایندگی دولت آمریکا اجازه صحبت خواسته اند و بایشان اجازه داده میشود که مطالب خود را بیان کنند.

سفیر آمریکا بالحن کامل مؤدب و معقول چنین اظهار کرد:

— این جانب در جلسه دیروز کنفرانس مطلبی اظهار کردم که مایه سوء تفاهم برای مقام ریاست و اسباب نهایت تأسف برای خود من گردید. از این که گفتم هزینه این کنفرانس را دولت آمریکا تمهید کرده است بهیچوجه قصدم برخ کشیدن پول آمریکا

و اهانت بنمایندگان دولت های محترم هم پیمان نبود. دولت های عضو سنتو دوستان عزیز و مورد احترام آمریکا می باشند و دولت آمریکا بحیثیات و شئون ملی آنان نهایت ارج و اعتبار را قائل می باشد. این کنفرانس را دولت آمریکا بر مبنای افکار و نیت بشر دوستانه ترتیب داده و انتظار دارد که با تشریح مساعی دولت های هم پیمان نتایج مطلوب از این اقدامات گرفته شود.

با آنکه این جانب هیچگونه قصد توهین و یا تحقیر در بیانات دیروزی خود نداشتیم مع هذا از سوء تفاهمی که پیش آمده اظهار تأسف کرده از مقام ریاست و کلیه آقایان نمایندگان رسماً معذرت می خواهم! «
آن گاه رئیس نیز مطالب مختصری در تأیید اظهارات سفیر آمریکا بیان کرده و علاوه نمود که:

— این جانب هم از پیشامد دیروز کم التأسف را دارم ولی باز هم تأکید میکنم که در مقام ریاست برای حفظ حیثیات نمایندگان محترم و دولت های دوست و هم پیمان غیر از این تکلیف دیگری نداشتیم و اکنون از آقای نماینده محترم دولت آمریکا تشکر می کنم که با معذرت خواهی امروز اظهارات دیروز خودشان را پس گرفتند و امیدوارم با دقت و ودرایتی که بکار میرود این قبیل پیشامدهای تأسف آور هرگز تکرار نشود! ...

و کنفرانس بکار خود ادامه داد.